شلیک مرگ خواستگار بدبین در آرایشگاه زنانه

پسر دانشجو با شلیک گلوله تفنگ شکاری عمه مطلقه اش را کشت و دختر عمه دیگرش را تا یک قدمی پرتگاه مرگ کشاند.

به گزارش رکنا، اوایل شهریور سال ۹۷ صدای شلیک چند گلوله مقابل آرایشگاه زنانه در پیشوای ورامین پیچید .همسایه ها با شنیدن صدای وحشت آور از خانه هایشان بیرون دویدند و با پسر جوانی روبه رو شدند که پس از شلیک خونین سوار بر موتور از محل گریخت.

پیکرهای خونین دو زن جوان با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد اما زن ۳۴ ساله به نام سعیده به دلیل شدت خونریزی جان سپرد و برادرزاده ۲۳ ساله وی به نام سحر که زخمی شده بود، تحت عمل جراحی قرار گرفت و معجزه‌آسا زنده ماند.

افشای جنایت

این دختر پس از بهبودی نسبی به ماموران گفت : شوهر عمه ام اعتیاد شدید داشت و چند بار به خاطر قاچاق مواد مخدر به زندان افتاده بود . شوهر عمه ام در زندان بود که عمه ام از او طلاق گرفت . بعد از این جدایی عمه ام در یک آرایشگاه زنانه مشغول به کار شد. از چند ماه قبل من هم به آرایشگاه زنانه رفتم و کنار عمه ام کار می کردم.

وی ادامه داد: پسر دایی ام مهرداد که دانشجوی ترم ششم رشته حقوق است از مدتی قبل به من ابراز علاقه کرده بود .او می گفت عاشقم شده است و قصد ازدواج با من را دارد. اما او مدتی پیش مقابل آرایشگاه محل کارم آمد و حرف های عجیبی زد . او می‌گفت به رفتارهای من و عمه ام مشکوک شده و گمان می کند دچار فساد اخلاقی شده ایم. چندبار در این باره با او صحبت کردم اما قانع نشد. مهرداد حتی یک بار به آرایشگاهی که من و عمه ام آن جا کار می کردیم آمد و از صاحب آرایشگاه درباره ما سوال کرد. گمان می کردیم با حرف های صاحب آرایشگاه مهرداد آرام می شود اما نشد . آخرین بار از من خواست تا فیلم دوربین های آرایشگاه را به او نشان دهم تا مطمئن شود از صبح تا شب در آرایشگاه مشغول به کار بوده ام. به او گفتم آرایشگاه مجهز به دوربین مداربسته نیست . در عوض قبض پرداخت چند نفر از مشتری ها را به او دادم اما باز هم قانع نشد.

این دختر ادامه داد: چند روز پیش می خواستم به آرایشگاه بروم که عمه ام هراسان با من تماس گرفت و گفت: مهرداد را مقابل آرایشگاه دیده که قصد دارد به من حمله کند . آن روز از ترسم به آرایشگاه نرفتم تا این که آخرین بار من و عمه ام می‌خواستیم با هم به آرایشگاه برویم که مهرداد را مقابل آرایشگاه دیدیم .او تفنگ شکاری در دست داشت که به سمت ما شلیک کرد و عمه ام را کشت .اما وقتی دید هیچ تیری به من اصابت نکرده با چاقویی که در جیب داشت به سمتم حمله کرد و چند ضربه به کمرم زد و فرار کرد .

اعتراف مهرداد

به دنبال اظهارات دختر جوان، مهرداد ۲۵ ساله ردیابی و بازداشت شد. وی به قتل عمه‌اش و زخمی کردن دختر عمه دیگرش اعتراف کرد و گفت: از سوی شوهر عمه اش برای این کار اجیر شده بود.

مهرداد در تشریح ماجرا گفت : من از مدت ها پیش به سحر علاقه مند شده بودم و قصد ازدواج با او را داشتم. من می دانستم سحر به تازگی و بعد از طلاق عمه ام همراه او در یک آرایشگاه زنانه مشغول به کار شده است. تا این که شوهر سابق عمه ام از زندان با من تماس گرفت و حرف های عجیبی زد. او گفت از وقتی سعیده طلاق گرفته به همراه سحر با هم به یک آرایشگاه زنانه رفت و آمد دارند و دست به کارهای غیر اخلاقی می زنند. او مرا بی غیرت خواند و از من خواست تا جلوی کارهای آن ها را بگیرم. من چندبار در این زمینه با سحر صحبت کردم اما حرف های او مرا قانع نکرد.

شوهر سابق عمه ام با حرف هایش مرا تحریک کرد و گفت: بهتر است برای جلوگیری از آبروریزی آن ها را بکشم، او قول داد که قتل را گردن بگیرد .من که تحت تاثیر حرف های او قرار گرفته بودم قبول کردم. شوهر عمه سابقم یکی از دوستانش را که فروشنده تفنگ بود به من معرفی کرد . من بعد از گرفتن اسلحه مقابل آرایشگاه کمین کردم اما اولین بار عمه که متوجه ماجرا شده بود و می دانست قصد کشتن سحر را دارم او را فراری داد . دومین بار می خواستم از سحر انتقام بگیرم. به همین دلیل به سمت آن ها شلیک کردم اما ناخواسته گلوله ها به عمه ام خورد و موجب مرگ او شد . من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم چند ضربه چاقو به سحر زدم و فرار کردم.

با اعتراف های پسر دانشجو شوهر عمه سابقش به نام فرهاد بازداشت شد و معاونت در قتل را گردن گرفت. وی همچنین فروشنده تفنگ را نیز لو داد .

کیفرخواست

بدین ترتیب برای مهرداد به اتهام یک قتل و یک شروع به قتل و برای شوهر عمه سابقش و دوست خلافکار وی به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده آن ها به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

قرار است آن ها به زودی از خود دفاع کنند . این درحالی است که اولیای دم برای آن ها حکم قصاص خواسته اند.

تحلیل کارشناس: سایه بدبینی عامل تشنج خانواده ها

دکتر امان ا... قرایی مقدم جامعه شناس و استاد دانشگاه

یکی از مخرب ترین خصوصیاتی که زندگی اجتماعی، خانوادگی و فردی اعضای جامعه را با تشنج رو به رو می کند بدبینی و سوء ظن است. بدبینی و داشتن نگاه منفی به مسائل عنصری تخریب کننده سرمایه های اجتماعی و فرهنگی است و در مقابل اعتماد و اطمینان سازنده و شکل دهنده سرمایه های اجتماعی به شمار می رود.

بدبینی و سوء ظن در مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی و ... وجود دارد و عامل تخریب روابط به حساب می آید. افرادی که از لحاظ شخصیتی دچار مشکلات روحی و روانی هستند بیشتر بدبین می شوند و با بدبینی و نگاه منفی شان همیشه زندگی پر از تنشی را تجربه می کنند زیرا اعتماد در وجودشان نهادینه نشده و به هر مسئله ای با دید ظن نگاه می کنند که این یک آسیب مخرب اجتماعی و خانوادگی محسوب می شود.

در جامعه و خانواده شاهد رشد و ترقی نخواهیم بود اگر اعتماد در روابط وجود نداشته باشد و آن خانواده و جامعه هیچ گاه رنگ شکوفایی به خود نمی بیند زیرا مدام درگیر حل مسئلی هستند که هیچ هویتی نداشته و از پایه و اساس وجود ندارد. در خانواده های نابه سامان و آشفته بدبینی بین زن و شوهر بیشتر دیده می شود و همین موضوع روابط آن ها را به خیانت، طلاق یا حتی قتل و همسرکشی می کشاند.

اگر پایه و نظام خانوادگی بر اساس اعتماد شکل نگیرد بی تردید در روابط همسران مدام مجادله و درگیری های لفظی و فیزیکی وجود خواهد داشت زیرا این قبیل زوج ها به گفته های یکدیگر اعتماد ندارند و اختلافات دیگر در زندگی خانوادگی شان رشد می کند. اگر بخواهیم این مسئله را به لحاظ روانی بررسی کنیم در روابطی که اعتماد وجود ندارد و سایه بدبینی در روابط مشاهده می شود پیمان ها و تعهدها سست و ضعیف است و افراد نمی توانند از لحاظ روحی و روانی به آرامش برسند.

خانواده هایی که درگیر بدبینی و سوءظن هستند هیچ پیشرفتی نمی کنند و هر روز یک قدم به طلاق و جدایی نزدیک تر می شوند. جامعه شناسان معتقدند، سرمایه اجتماعی که برگرفته از اعتماد است به مراتب مهم تر از سرمایه طبیعی و حتی سرمایه های تکنولوژی است زیرا خانواده مستحکم عامل چسبندگی خصلت های پسندیده در جامعه سالم است زیرا آن چه که باعث فروپاشی نظام خانواده و بروز جرایم هولناک در بین خانواده ها می شود نبود اعتماد و پررنگ شدن بدبینی است.

آناهیتا دختر لاکچری ؛

مرد پولدار اولین زنگ خطر بود !

روزی که پول روی پول می گذاشتم و کیف می‌کردم حتی یک بار هم به ذهنم خطور نکرد که همین پول های حرام بلای زندگی ام خواهد شد. در واقع آن قدر مست ثروت بودم که خدا را هم فراموش کردم. تا این که ...

به گزارش رکنا، این ها بخشی از اظهارات مرد ٥٤ ساله ای به نام احمد است که به اتهام اختلاس و کلاهبرداری توسط نیروهای زبده تجسس کلانتری آبکوه مشهد دستگیر شد این مرد که با چشمانی اشکبار به حلقه های فلزی پابندهایش خیره شده بود آه بلندی کشید و در حالی که گویی تلنگر عجیبی روح و روانش را به هم ریخته است درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: در خانواده ای کم بضاعت به دنیا آمدم به طوری که پدرم با سختی و مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کرد ولی به هر طریقی بود با زحمتکشی و آبرومندی مخارج زندگی و تحصیل مرا می پرداخت من هم با همه وجودم درس می خواندم تا این که در یکی از رشته های مدیریتی دانش آموخته شدم و تحصیلاتم را تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه دادم. در همین روزها با د ختری دبیرستانی ازدواج کردم و در یک شرکت دولتی استخدام شدم از همان آغاز زندگی مشترک کمر همت را بستم تا با سعی و تلاش بیشتر رفاه و آسایش را برای خانواده ام فراهم کنم چرا که خودم با شرایط سختی تحصیل کردم و دوست داشتم همه امکانات رفاهی را برای خانواده ام تهیه کنم. حتی همسرم را که ترک تحصیل کرده بود به ادامه تحصیل تشویق کردم تا دیپلم گرفت. خلاصه پست و مقامم هر از گاهی ارتقا می یافت و درآمدم بیشتر می شد به طوری که دیگر نیاز مالی نداشتم اما از سوی دیگر همسرم غرور عجیبی داشت و می خواست در میان فامیل و اطرافیانم یک سرو گردن از دیگران بالاتر باشد. چشم و هم چشمی هایش روز به روز افزایش می‌یافت و دچار مدپرستی شده بود. روزی خودروی شاسی بلند خارجی تقاضا می کرد و روز دیگر خانه ای مجلل باید می خریدم. من هم آن قدر درگیر مادیات شده بودم که به همان اندازه خدا را فراموش کردم.

دخترانم نیز مانند برگ کدو پول خرج می کردند و به ظاهر خودشان می رسیدند در واقع به جای کلمه زیبای «پدر» مرا «عابر بانک» می دیدند. روزگارم به همین ترتیب سپری می شد تا این که روزی یکی از روسای اداره پیشنهاد کاری غیرقانونی را داد که پول زیادی در آن نهفته بود. ابتدا قبول نکردم اما بعد از آن که خانه و زندگی رئیسم را دیدم تازه فهمیدم که هنوز از خیلی ها عقب هستم. وسوسه این پول که به یک امضای من بستگی داشت مانند خوره به جانم افتاده بود با خودم می گفتم «اتابک» درست می گوید چرا من مانند خیلی از مسئولان دیگر در رفاه نباشم! وقتی موضوع را با همسرم در میان گذاشتم برق از چشمانش پرید و با خوشحالی تشویقم کرد که آن کار غیرقانونی را انجام بدهم دیگر همه زندگی ام از مال حرام انباشته شده بود. همسرم می گفت: چرا من نباید مانند همسر اتابک به سفرهای خارجی بروم و آن گونه زندگی نکنم ! این بود که شروع به امضاهای خلاف قانون کردم پول روی پول و سند روی سند می گذاشتم و خانواده ام هر آن چه را اراده می کردند به دست می آوردند با راهنمایی اتابک همه اموال و دارایی هایم را به نام همسرم ثبت کردم تا مورد سوء ظن قرار نگیرم اما مهر و محبت و صمیمیت از خانه ما رفته بود روزی از کلانتری تماس گرفتند که دخترم «آناهیتا» را به اتهام ولگردی و مصرف حشیش در پارک دستگیر کرده اند. دنیا روی سرم چرخید و زندگی ام در مسیر سراشیبی و سقوط قرار گرفت. مدتی بعد یکی از کارکنان بازرسی اداره به بررسی اسناد و پرونده ها پرداخت و این گونه ماجرای امضاهای جعلی و غیرقانونی من لو رفت. خیلی زود نیروهای کلانتری سراغم آمدند و درحالی که هنوز باورم نمی شد مال حرام عاقبتی ندارد حلقه های قانون بر دستانم گره خورد. سه روز بعد وقتی دیدم کسی از خانواده ام پیگیر امور قضایی من نیست با همسرم تماس گرفتم اما او در میان بهت و ناباوری من گفت دیگر تماس نگیر و ما را به دردسر نیندازا! تو چیزی نداری! من هم با وکیل برای گرفتن طلاق مشورت کرده ام! آن جا بود که قلبم شکست و تازه فهمیدم این همه دزدی و اختلاس و نان حرام چنین بلایی را به سرم آورده است. شایان ذکر است با دستور سرگرد محمدی (رئیس کلانتری شفای آبکوه) بررسی های بیشتر در این پرونده توسط نیروهای ویژه تجسس ادامه دارد.

راز عجیب ۳ برادر عروس با داماد

مادر زن از هیچ چیز خبر نداشت !

یک باند خانوادگی که با ریاست داماد خانواده مدیریت می شد در خیابان های تهران با تصادف های ساختگی دست به اخاذی از طعمه هایشان می زدند.

به گزارش گروه حوادث رکنا، اوایل شهریور امسال بود که ماموران پلیس تهران با مراجعه چند راننده که همگی ادعا می کردند چند مرد در تصادف های ساختگی دست به اخاذی از آنها زده اند و همین کافی بود تا تیمی از ماموران برای دستگیری عاملان این تصادفات ساختگی وارد عمل شوند.

بررسی ها نشان از آن داشت که چند مرد با نزدیک شدن به خودروها خودشان را به خودروها می زدند و در نقش تصادف ساختگی از سوژه ها پول می گرفتند.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه ماموران با اقدامات فنی و پلیسی ٤ مرد جوان را که همگی اعضای یک خانواده بودند را در عملیات پلیسی دستگیر کردند.

تحقیقا ت نشان از آن داشت که داماد خانواده همراه ۳ برادر زن خود در این سرقت ها حضور داشته و پولی زیادی نیز اخاذی کرده اند.

باند خانوادگی

داماد خانواده که حمید ٤٢ ساله است ادعا می کند بخاطر نداشتن پول اجاره خانه همراه برادرهای زن این سرقت ها را به اجرا گذاشته است.

این مرد در اعترافاتش گفت: سال گذشته از طریق رسانه ها شنیدیم یک باند ۱۱ نفره با تصادف های ساختگی از مردم اخاذی می کنند تا اینکه من به خاطر مشکلات مالی و نداشتن اجاره خانه به فکر چاره بودم که یک شب در خانه مادرزنم با برادران زنم دور هم جمع شده بودیم و تصمیم به این کار گرفتیم. البته قرار بود مادرزنم از این ماجرا چیزی نفهمد.

وی افزود: از قبل سوژه ها را شناسایی می کردیم و به برادرزن هایم اطلاع می دادم و سپس یکی از آنها خودش را به خودرو نزدیک می کرد و به طور مثال دستش به آینه خودرو می زد و با این ترفند من نیز به کمک او می رفتیم و با چرب زبانی راننده را وسوسه می کردم که یک پول به مرد جوان که برادرزنم است بپردازد و برود، باور کنید از کسی به زور و اجبار پول نمی گرفتیم.

بردارزن های این مرد نیز که هر یک به بهانه ای وارد باند شده بودند ادعا کردند به خاطر اعتیاد و کمک به بیماری مادرمان دست به این کار زدیم و فکر نمی کردیم دستگیر شویم.

بنا به این گزارش، اعضای این خانواده برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفته اند.

مهمانی شوم دختر شاعر تهرانی با دوست پسرش در ویلایی پدری

حکم بی گناهی مرگ مرموز دختر نقاش در رودخانه عباس آباد در دیوان پذیرفته نشد.

به گزارش رکنا، نیمه شب پانزدهم مهر جسد یک دختر۲۵ ساله به نام بهار در رودخانه ای کم عمق در شهرستان عباس آباد پیدا شد.

جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان در گزارش خود علت مرگ را زیاده روی در مصرف مواد مخدر اعلام کردند.

پدر بهار به ماموران گفت: دخترم همراه یک پسرجوان به نام حسین به ویلای ما در عباس آباد رفته بود که پلیس جسد وی را پیدا کرد. من گمان می کنم حسین دخترم را کشته است.

با این شکایت حسین بازداشت شد.وی گفت : مدتی قبل با بهار که دانشجوی مهندسی معماری و نقاش بود آشنا شدم.ما به هم علاقه مند بودیم. پدر بهار ویلایی در عباس آباد داشت و بیشتر اوقات بهار برای کشیدن نقاشی های طبیعت به آن جا می‌رفت .آخرین بار او مرا به خانه ویلایی دعوت کرد .ما برای تفریح به آن جا رفتیم. اما صبح روز بعد وقتی بیدار شدم دیدم بهار در خانه شان نیست، من همه جا را جست و جو کردم اما چون خبری از او نبود ساک وسایل بهار را تحویل سرایدار خانه ویلایی دادم و به تنهایی به تهران برگشتم

وی افزود: چند روز بعد فهمیدم همان شب پلیس جسد او را در رودخانه ای در همان حوالی پیدا کرده است اصلا نمی‌دانم چرا بهار ویلا را ترک کرد و چه اتفاقی برایش افتاده است .

با این ادعاها که نشان می داد مرگ دختر دانشجومعمایی است، پدر بهار مدعی شد وی به دخترش مواد مخدر داده و او را به قتل رسانده است.

کیفرخواست

با این شکایت، علیه حسین کیفرخواست صادر شد و وی پای میز محاکمه ایستاد .اما قضات با توجه به این که مدرکی علیه وی به دست نیاوردند برای او قرار منع تعقیب صادر کردند. حکم تبرئه این متهم در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات این حکم را نقض کردند و خواهان از سرگیری تحقیقات شدند.

بدین ترتیب و با تکمیل تحقیقات پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

در جلسه رسیدگی به این ماجرا که به ریاست قاضی زالی و با حضور یک قاضی مستشار برگزار شد ابتدا پدر بهار در جایگاه ویژه ایستاد. وی گفت: دخترم نقاش و شاعر بود. او همراه حسین به ویلا رفته بود که کشته شد .من شک ندارم حسین با انگیزه ای خاص مواد مخدر را به دخترم داده و سپس نیمه شب جسد او را به داخل رودخانه ای که در فاصله ۲۰ متری از ویلای ما قرار داشت انداخته است . من برای او قصاص می خواهم.

سپس وکیل متهم به دفاع پرداخت و گفت: موکلم نتوانسته در دادگاه حاضر شود. اما همه شواهد نشان می دهد او و بهار رابطه خوبی با هم داشتند و وی انگیزه ای برای کشتن دختر جوان نداشته است. از این رو تقاضای صدور حکم برائت برای موکلم را دارم.

بنابه این گزارش ؛ در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده اظهار نظر کنند.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر بوشهر خبر داد:

کشف ۷۰ کیلو موادمخدر در عملیات مشترک پلیس

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر بوشهر از کشف ٦٠ کیلوگرم تریاک و ۱۰ کیلوگرم هروئین طی عملیات مشترک با استان های فارس و هرمزگان خبر داد.

به گزارش ایسنا و به نقل از پایگاه خبری پلیس، سرهنگ عبدالرضا شبانی، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر اظهار کرد: ماموران پلیس مبارزه با موادمخدر استان موفق شدند با انجام اقدامات اطلاعاتی و تلاش های شبانه روزی دو باند تهیه و توزیع مواد مخدر که به صورت حرفه ای و عمده در امر قاچاق و توزیع مواد مخدر در استان های جنوبی فعالیت داشتند را شناسایی کنند.

وی بیان کرد: با همکاری فرماندهی انتظامی فارس و هرمزگان در دو عملیات مجزا خودروهای حامل موادمخدر به صورت غافلگیرانه در مسیرهای مواصلاتی شهرستان لامرد و بندرلنگه متوقف شدند.

سرهنگ شبانی یادآور شد: در بازرسی از این خودروها، ٦٠ کیلوگرم تریاک و ۱۰ کیلو هروئین که

به صورت ماهرانه ای جاساز شده بود کشف شد و در این رابطه دو نفر از قاچاقچیان مواد مخدر دستگیر و برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل شدند.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر خاطرنشان کرد: نیروی انتظامی با سوداگران مرگ و قاچاقچیان مواد مخدر برخورد قاطع و قانونی خواهد کرد و اجازه جولان به آنان نخواهد داد.

بلایی که سر تازه داماد یزدی آمد

یک مرد شیاد به بهانه فروش ماشین به تازه داماد یزدی برای فراهم کردن هزینه سفرش به کربلا دست به کلاهبرداری ۱۷ میلیونی زد.

رئیس پلیس فتای یزد گفت: فردی کلاهبردار با سوءاستفاده از اعتماد جوانی که به تازگی تشکیل خانواده داده بود اقدام به کلاهبرداری ۱۷۰ میلیون ریالی کرد و توانست این مبلغ را با عنوان بیعانه از شاکی، بابت خرید پژو slx زیر قیمت بازار اخذ کند.

سرهنگ مرتضی ابوطالبی افزود: فرد کلاهبردار با مطرح کردن قیمت اغواکننده ماشین زیر قیمت بازار به دلیل موعد سررسید چک بانکی با توجه به سفر زیارتی در پیش روی اربعین خود توانسته مبلغ مورد نظر را اخذ کند و باقی پول را با شرط چک بین بانکی از وی طلب کند.

وی ادامه داد: هنگام مراجعه به سایت دیوار و سایت‌های مشابه به راحتی به تبلیغات فریبانه اعتماد نکرده و تحت هیچ شرایطی بیعانه پرداخت نکنید و معامله را حتما حضوری انجام داده و قولنامه بین طرفین با امضای ۲ شاهد صورت گیرید زیرا ممکن است کالای خریداری شده دزدی باشد که عواقب خاص خود را در پی خواهد داشت.

پایگاه اطلاع رسانی پلیس فتا، وی بیان داشت: اعتماد بی جا به افراد بدون داشتن شناخت کافی و تحت‌تاثیر قرار گرفتن تبلیغات اغواکننده آنها، ناآشنایی با روال قانونی خرید و فروش کالا از طریق سایت‌های مجازی و عدم شناخت راه‌های تشخیص کالای مسروقه از جمله دلایل به دام افتادن افراد است.

ابوطالبی با هشدار در خصوص خرید در بستر دیوار و شیپور تصریح کرد : خریداران بایستی توجه نمایند که ترجیحاً از ساکنان شهر خود به صورت حضوری خرید کنند همچنین قرار گذاشتن در شعب بانک‌ها و انتقال پول پس از دریافت کالا از امن ترین روش های معامله می باشد از طرفی کاربران باید توجه داشته باشند حتما از کسانی خرید کنید که امکان ملاقات حضوری آنها پیش از انجام معامله فراهم است و قبل از خرید کالا را با دقت مورد بررسی قرار دهید.

وی با توجه به کلاهبرداری‌های مالی تاکید کرد: اطلاعات کارت اعتباری خود یا سایر اطلاعات مالی خود را در ازای خرید و دریافت جدیدترین اسباب‌بازی، کارت هدیه رایگان، یک شغل فصلی و یا اجاره (یک محل) برای تعطیلات در اختیار شخصی که نمی‌شناسید، قرار ندهید.

رئیس پلیس فتا یزد در پایان از شهروندان خواست در صورت مواجهه با هرگونه موارد مشکوک، آن را از طریق وب سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش ارتباطات مردمی گزارش کنند.

هفته نامه طلوع لامرد و مهر تلفنی آگهی و اشتراک میپذیرد
۰۹۱۷۸۱۹۶۸۳